

— — —

از رود پیرانه می آید آرام ~~خ~~
ای آشنای آنچه که نتوان گفت
در ماورای آنچه که می بینم
از بی قرار سوس سوس کردان
در مرز بی کرانه های اندیشه
ای رود ای که در آغوشی آ
آینه دار روح منی آ یا ؟

+ + +

شماره ۱۳۴